**[نقش ایدئولوژی صهیونیزم در شکل‌دهی اقتصاد جهانی](%22%20%5Cl%20%22lh_001)**

**آرمین امینی[[1]](#footnote-1)**

**چکیده**

میزان نفوذ یهودیان صهیونیست در اقتصاد جهانی رو به فزونی است. بسیاری از شرکت‌های اقتصادی جهان با صهیونیست‌ها همکاری دارند و بخش اعظمی از گردش‌ مالی این شرکت‌ها به جیب یهودیان صهیونیست سرازیر می‌شود. این شرکت‌ها نقشی پررنگ در گردش مالی جهان دارند. بسیاری از یهودیان در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی نظیر سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول، بانک عمران بین‌الملل و ... عضویت دارند و مناصبی مهم را در این سازمان‌ها بر عهده گرفته‌اند. همچنین قریب به ۸۰ درصد ثروت و امکانات ساختار اقتصادی امریکا در انحصار اقلیت اندک سرمایه‌داران یهودی - صهیونیستی این کشور قرار دارد. این مقاله ضمن بررسیِ میزان نفوذ صهیونیزم در اقتصاد جهانی، در پی روشن ساختن چرایی و ریشه‌یابی علل پیدایش این موضوع است.

**واژگان کلیدی:** صهیونیزم، پروتکل‌های صهیون (یهود)، اقتصاد بین‌الملل.

**مقدمه**

امروزه یهودیان به‌طور عام و فرقه صهیونیزم به‌طور خاص نقش‌های گوناگونی را در عرصه‌های مختلف جهانی بازی می‌کنند. نقش پررنگ صهیونیزم در عرصه‌های گوناگون نظیر فرهنگ، سیاست، علم، صنعت و... به‌روشنی برای محققان قابل مشاهده است. هالیوود به ابزاری فرهنگ‌ساز برای صهیونیزم تبدیل شده است. لابی‌های صهیونیستی با نفوذترین، تأثیرگذارترین و تصمیم‌سازترین نهاد در سیاست بین‌الملل نام گرفته‌اند. برترین محققان جهان متعلق به جامعه یهود و در برخی درجات از وابستگان رژیم صهیونیستی هستند. با این تفاسیر، نفوذ و سلطه یهود و صهیونیزم بر اقتصاد بین‌المللی چندان دور از ذهن نخواهد بود. در پایان قرن بیستم بیشتر غول‌های اقتصادی جهان را شرکت‌های صهیونیستی یا شرکت‌هایی که به نوعی با این فرقه در ارتباط هستند، تشکیل داده است. در این‌باره می‌توان از شرکت‌های اقتصادی و خبری نظیر تیمبرلند[[2]](#footnote-2)، دلتا گیل[[3]](#footnote-3)، والت دیزنی[[4]](#footnote-4) ، تایم ورانر[[5]](#footnote-5)، استار باکز[[6]](#footnote-6)، سارا لی[[7]](#footnote-7)، نوکیا[[8]](#footnote-8)، اینتل[[9]](#footnote-9)، آی. بی. ام[[10]](#footnote-10)، نیوز[[11]](#footnote-11)، اورئال[[12]](#footnote-12)، لیمیتدبرندس[[13]](#footnote-13)، استی‌لادر[[14]](#footnote-14) و ... نام برد. نفوذ پیروان این دین در عرصه‌های مختلف جهانی در حالی صورت می‌پذیرد که جمعیت آنان، تنها معادل ۰٫۲۲٪ جمعیت جهان می‌باشد یعنی چیزی در حدود ۱۴ میلیون نفر. البته برخی آمارها نیز پیروان یهودیت را تا ۲۵ میلیون نفر تخمین می‌زنند. جمعیت رژیم صهیونیستی (صهیونیست‌های بالفعل) نیز در سال 2010 در حدود 8 میلیون نفر برآورد شده است (سایت وزارت خارجه رژیم صهیونیستی، 2010). به هر حال باید اذعان داشت که اقلیتی بسیار کوچک، نقش‌های فراوان و تأثیرگذاری را در سطح جهانی بر عهده گرفته است.

این مقاله در چارچوبی توصیفی - تحلیلی سعی بر آن دارد تا میزان گسترش نفوذ یهودیان در اقتصاد جهانی را روشن سازد. بدین منظور ابتدا به بیان میزان نفوذ صهیونیزم در اقتصاد جهان و معرفی غول‌های اقتصاد جهانی در شرکت‌های اقتصادی، فرهنگی می‌پردازد که به نوعی با صهیونیست‌ها در ارتباط هستند و بخش اعظمی از گردش‌ مالی این شرکت‌ها به جیب یهودیان صهیونیست می‌رود. همچنین این مقاله به میزان نفوذ صهیونیزم در ساختار اقتصادی امریکا نیز اشاره می‌کند و به معرفی صهیونیست‌های جامعه امریکا مانند خاندان "روچیلدها" و "راکفلرها" می‌پردازد که در زمینه‌های اقتصادی، مالی، تجاری و بازرگانی این کشور فعالیت دارند. مقاله به باورهای اساسی صهیونیزم در این زمینه توجه می‌کند و عهدنامه موسوم به "پروتکل‌های صهیون" طرح و برنامه صهیونیزم برای برپایی حکومت جهانی را آشکار می‌سازد.

**1- نفوذ اقتصادی صهیونیزم در جهان**

قسمت اعظم سهام شرکت‌های نام‌آشنای جهانی، در اختیار یهودیان صهیونیزم قرار دارد. این شرکت‌ها نقشی پررنگ در گردش مالی جهان دارند. همچنین بسیاری از یهودیان در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی همچون سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول، بانک عمران بین‌الملل و ... عضویت دارند و مناصبی مهم در این سازمان‌ها بر عهده گرفته‌اند.

**1-1. شرکت‌های وابسته به صهیونیزم**

**1. شرکت تیمبرلند:** هر چند تیمبرلند یک شرکت تجاری عمومی می‌باشد، ولی مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیرة این شرکت شخصی به نام "جفری سوارتز" یک صهیونیزم فعال است. خانواده سوارتز بخش اصلی سهام و 81 درصد از قدرت رأی شرکت تیمبرلند را در اختیار دارند. تیمبرلند شرکت تولید کفش و البسه است که سرمایه آن در حدود 1/1 میلیارد دلار می‌باشد. سوارتز در پایان یک سفر چهارروزه به سرزمین‌های اشغالی، در گفت‌وگو با نشریۀ یهودی جروزالم‌پست تأکید کرد که رژیم صهیونیستی باید پیامش را به گوش جهانیان برساند. وی ضمن مصاحبه‌ای اظهار داشت: "ما خواهان دخالت جدی‌تر امریکا در حمایت از رژیم صهیونیستی هستیم". او که فرزند یک خانوادۀ دو آتشۀ یهودی است، به دولت صهیونیستی توصیه کرد که صد سرباز را به‌عنوان مبلغ به میان مردم امریکا بفرستد تا واقعیت را برای امریکایی‌ها توضیح دهند. او اضافه کرد که با احساس وظیفۀ فراگیر کردن پیام رژیم صهیونیستی به کشورش باز می‌گردد. این خانواده یکی از مهم‌ترین پشتیبانان مالی مؤسسات آموزشی یهودیان در امریکاست. شرکت تیمبرلند بیش از بیست فروشگاه در سرزمین‌های اشغالی دایر کرده و یکی از تولیدکنندگان پوتین‌های سربازان ارتش این رژیم است.

**2. شرکت تایم‌وارنر.** همان‌گونه که از نامش پیداست، این شرکت نتیجۀ پیوستن چند شرکت رسانه‌ایِ امریکایی به یکدیگر است. شرکت‌هایی همچون برادران وارنر، تایم و اِی.اُ.ال[[15]](#footnote-15) که هرکدام در رشتۀ خود یکی از بزرگ‌ترین‌ها بودند. تایم‌وارنر جایزۀ جوبیلی را به پاس پشتیبانی طولانی و همه‌جانبه از رژیم صهیونیستی، از بنیامین نتانیاهو (نخست‌وزیر پیشین این رژیم) دریافت کرد. نزدیک به یک‌سوم از همۀ سرمایه‌گذاری‌های شرکت، در سرزمین‌های اشغالی انجام می‌شود. در همین راستا، تایم‌وارنر همۀ سهام شرکت‌های صهیونیستی آنیکو[[16]](#footnote-16) و آی.سی.کیو[[17]](#footnote-17) را خریداری کرده است. شرکت آی. سی. کیو ناشر و سازندۀ نرم‌افزاری برای گفت‌وگوی اینترنتی (چت) است که توسط چهار جوان صهیونیست، با هدف عرضۀ شیوۀ جدید ارتباط از راه دور بنیان نهاده شده، هم‌اکنون طرفداران زیادی دارد. به گزارش نشریۀ یهودی جروزالم پست در سال ۱۳۸۰، یکی از نهادهای یهودی امریکا از این شرکت و دو مجتمع اقتصادی دیگر، به پاس پشتیبانی مالی از رژیم صهیونیستی تقدیر کرد.

**3. شرکت نوکیا.** لارس ولف که یکی از مدیران ارشد نوکیاست، در گفت‌وگو با نشریۀ یهودی جروزالم پست در سال 2001، خبر از وجود "پروژۀ رژیم صهیونیستی" با هدف گسترش سرمایه‌گذاری‌ها و حضور بیشتر در سرزمین‌های اشغالی داد. این شرکت حضور خود در سرزمین‌های اشغالی را با یک سرمایه‌گذاری ۵۰۰ میلیارد دلاری در سال 2000 آغاز کرد که بخش عمدۀ این سرمایه در اختیار شرکت‌های صهیونیستی قرار گرفته است. نوکیا چند مجتمع تحقیقاتی و صنعتی را در سرزمین‌های اشغالی راه‌اندازی کرده و بخشی از فرآیند طراحی و تولید محصولاتی مانند باتری گوشی‌های تلفن همراه در این مجتمع‌ها انجام می‌شود.

**4. شرکت استارباکس.** استارباکس بزرگ‌ترین کافی‌شاپ زنجیره‌ای در جهان است. دفتر اصلی این شرکت در شهر سیاتل امریکا واقع شده است. هوارد شولتز مدیرعامل شرکت، از سوی یکی از مؤسسات یهودی به‌عنوان "پشتیبان صهیون" مورد تقدیر قرار گرفت. یکی از مقامات وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی نیز فعالیت یهودیان ثروتمندی چون شولتز را یکی از عوامل موفقیت تبلیغاتی رژیم صهیونیستی می‌داند. شولتز در یک سخنرانی در جمع یهودیان در یک کنست، انتفاضه را نماد تروریسم و یهودستیزی خواند و از مردم خواست برای پشتیبانی از رژیم صهیونیستی متحد شوند. شرکت استارباکس یکی از حامیان اقتصادی ارتش صهیونیستی است و به خانواده‌های سربازان مجروح یا کشته شده در درگیری‌ها کمک مالی می‌کند. این شرکت یکی از پشتیبانانِ مالی حضور نظامی امریکا در افغانستان و عراق نیز به‌شمار می‌رود. دارایی کل این شرکت در حدود 6 میلیارد دلار برآورد شده است.

**5. شرکت دلتا گیل.** داو لاتمن یکی از دوستان نزدیک ایهود باراک، نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی، است. او دلتا گیل را در سال 1975 در سرزمین‌های اشغالی بنا نهاد و هم اکنون مهم‌ترین سهام‌دار و مدیر آن است. سارالی (بزرگ‌ترین شرکت تولیدکنندۀ پوشاک دنیا) دومین سهام‌دار دلتا و شریک اصلی آن به‌شمار می‌رود. دلتا محصولات خود را به واسطۀ نشان شرکت‌های دیگر همچون مارکس و اسپنسر، پوما، هوگوباس، کالوین کلین، نایک و ویکتوریاسکرت به بازار جهانی عرضه می‌کند. لاتمن یکی از اهداف خود را تأسیس منطقۀ آزاد تجاری خاورمیانه می‌داند که رژیم صهیونیستی در آن نقشی چون امریکا در اتحادیۀ تجارت آزاد امریکای شمالی (نفتا) خواهد داشت. دلتا بزرگ‌ترین تولیدکنندۀ پوشاک در سرزمین‌های اشغالی و یکی از بزرگ‌ترین‌ها در سطح دنیاست.

**6. شرکت سارا لی.** سارالی بزرگ‌ترین تولیدکنندۀ پوشاک دنیاست. این شرکت همان‌طور که گفته شد مالک بیش از چهل درصد سهام شرکت دلتاگیل (بزرگ‌ترین تولیدکنندۀ پوشاک در سرزمین‌های اشغالی) و مهم‌ترین شریک تجاری آن است. تولیدات این شرکت با عناوین و نشان‌های مختلفی در کشورهای مختلف به فروش می‌رسد. مدیر این شرکت به پاس پشتیبانی از نظام اقتصادی رژیم صهیونیستی و سرمایه‌گذاری در سرزمین‌های اشغالی، جایزۀ جوبیلی را از بنیامین نتانیاهو دریافت کرده است. پایگاه رسمی سارا لی در شبکۀ اینترنت، کاربران را تهدید کرده است که هر اقدام مشکوک به ارتباط با مقولۀ تحریم رژیم صهیونیستی را به مقامات قضایی امریکا گزارش خواهد کرد.

**7. شرکت والت‌دیزنی.** شرکت والت‌دیزنی یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های رسانه‌ای و سرگرمی جهان است. این شرکت در سال ۲۰۰۶، مبلغ ۳۴٫۳ میلیارد دلار درآمد داشته ‌است. نمایشگاه هزارۀ این شرکت، بیت‌المقدس را به‌عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی معرفی کرد؛ در حالی که حتی براساس قطع‌نامه‌های سازمان ملل‌ متحد هم، اشغال این شهر از سوی رژیم صهیونیستی خلاف قوانین بین‌المللی است. کارشناسان دیزنی به همراه نمایندگان رژیم صهیونیستی، بیش از ۱۸ ماه روی بخشی از این نمایشگاه که "تالار رژیم صهیونیستی" خوانده می‌شد کار کردند. جویش کرونیکل، نشریۀ یهودی چاپ لندن، نوشت: «اگر آن نمایشگاه را می‌دیدید، بی‌شک بیت‌المقدس را به‌عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی می‌پذیرفتید». درخواست برخی از سازمان‌ها و دولت‌های اسلامی از اتحادیۀ عرب برای تحریم شرکت دیسنی، در گام‌های آخر و با سخنرانی و مخالفت ولید بن طلال، شاهزادۀ سعودی و یکی از بزرگ‌ترین سهام‌داران یورودیزنی شکست خورد. رژیم صهیونیستی نیز که بیش از یک میلیارد و هشتصد میلیون تومان از هشت میلیارد تومان هزینۀ ساخت این نمایشگاه را پرداخته بود، از دیزنی به خاطر مقاومت در برابر مسلمانان تشکر کرد. شرکت سرمایه‌گذاری خانوادۀ دیزنی، بیش از پانصد میلیارد تومان در سرزمین‌های اشغالی سرمایه‌گذاری کرده است. این شرکت اعلام کرده که می‌خواهد فعالیت اقتصادی جدیدی را آغاز کند که حجم آن دست‌کم دویست و پنجاه میلیارد تومان است.

**8. شرکت نیوز (اخبار).** شرکت نیوز یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های رسانه‌ای دنیاست که بیش از ۱۷۵ روزنامه و ده‌ها شبکۀ تلویزیونی و رادیویی را در اختیار دارد. روپرت مرداخ، مالک این غول رسانه‌ای به تازگی سرمایه‌گذاری‌های سنگینی را در سرزمین‌های اشغالی آغاز کرده است. روپرت مرداخ در استرالیا متولد شد. وی در دانشگاه آکسفورد در رشته‌های فلسفه، علوم سیاسی و اقتصاد تحصیل کرد. مرداخ، در سال 1985 تبعۀ امریکا شد و امپراتوری رسانه‌ای‌اش را گسترش داد. او دوست نزدیک رونالد ریگان، رئیس‌جمهور پیشین امریکا، و پت رابرتسون، یکی از رهبران مسیحیان صهیونیزم، است و رسانه‌های وابسته به او از جرج بوشِ پسر در هر دو انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا حمایت کردند. به گزارش نشریۀ یهودی جروزالم پست در سال 2001، یکی از نهادهای یهودی امریکا، از شرکت نیوز و دو شرکت دیگر، به پاس پشتیبانی اقتصادی از رژیم صهیونیستی تقدیر کرد.

**9. شرکت نستله.** شرکت نستله که بزرگ‌ترین تولیدکنندۀ مواد غذایی دنیا به شمار می‌رود، به پاس خدماتش به رژیم اشغال‌گر قدس، جایزۀ جوبیلی را از نتانیاهو گرفته است. این شرکت بیش از دویست میلیارد تومان در رژیم صهیونیستی سرمایه‌گذاری کرده و در مقابل این خوش خدمتی، سالانه حدود بیست و چهار میلیارد تومان کمک مالی از امریکا دریافت می‌کند. نستله در سال 2000، بیش از چهارده میلیارد تومان به صندوق پرداخت غرامت هولوکاست کمک کرده و یکی از سهام‌داران عمدة شرکت تولید لوازم آرایشی و زیبایی اورئال (یکی دیگر از حامیان بزرگ رژیم صهیونیستی) است.

**10. شرکت اورئال.** رژیم صهیونیستی مرکز منطقه‌ایِ این شرکت در جنوب غربی آسیاست. کنگرۀ یهودیان امریکا در بیانیه‌ای خشنودی خود را از پشتیبانی شرکت اورئال از رژیم صهیونیستی اعلام کرده است. یکی از مدیران شرکت در گفت‌وگو با نشریۀ یهودی جروزالم پست، توقف فعالیت تجاری شرکت در سرزمین‌های اشغالی از 1985 تا 1994 را تنها یک تظاهر به پیروی از تحریم اقتصادی رژیم صهیونیستی از سوی اتحادیۀ عرب خواند. گفتنی است که حتی این ظاهرسازی هم، با اعلام رسمی بازگشایی شعب شرکت در شهر تل آویو و دیگر شهرهای رژیم صهیونیستی به پایان رسید. تقریباً نیمی از مدیران شرکت یهودی‌اند و جانشین مدیرعامل آن خود را عاشق رژیم صهیونیستی می‌داند. او هدف از ارائۀ سالانۀ بورسیۀ ده میلیون تومانی از سوی شرکت را تلاش برای اقدامی به یادماندنی در پنجاهمین سالگرد تأسیس رژیم صهیونیستی دانست. این شرکت به پاس پشتیبانی چشمگیرش از رژیم صهیونیستی، جایزۀ جوبیلی را از بنیامین نتانیاهو دریافت کرده است.

**11. شرکت لیمیتد برندز.** لس وگزنر، بنیان‌گذار، مدیرعامل و رئیس هیئت مدیرۀ شرکت، یکی از اعضای "کمیتۀ اِمِت" است. این کمیته یک "اتاق جنگ رسانه‌ای" است که برای اطمینان از پوشش رسانه‌ای حوادث جهانی به سود رژیم صهیونیستی تشکیل شده است. نام این کمیته از برگردان عبری واژۀ حقیقت گرفته شده است. چند نفر از قدرتمندترین رهبران سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امریکا از اعضای این کمیته هستند. "بنیاد وگزنر" در سال 1984 تأسیس شده و تقویت رهبری یهودی در امریکا و رژیم صهیونیستی را هدف خود اعلام کرده است. اعطای بورس تحصیلی به مقامات رژیم صهیونیستی و برگزاری سفرهای گردش‌گریِ رایگان برای جوانان یهودی امریکا، بخشی از برنامه‌های این بنیاد است. یکی از اسناد داخلی این بنیاد که در سال 2003 برملا شد، از سوی خبرنگاران "یک راهنمای صهیونیستی برای دستکاری افکار عمومی امریکاییان به سود رژیم صهیونیستی" نام گرفت.

**12. شرکت اینتل.** اینتل یک واحد توسعۀ خود را در سال 1974 در حیفا و یک مجتمع تولید ریزپردازنده را در سال 1985 در قدس بنا نهاد. این واحدها نخستین مراکزی بودند که این شرکت خارج از مرزهای امریکا ایجاد کرده بود. یکی از واحدهای این شرکت که در زمینۀ ریزپردازنده‌ها فعالیت می‌کند، در زمین‌های یک روستای اشغال شدۀ فلسطینی ساخته شده و ساکنان این روستا که پیش از تخریب، سیصد خانه، دو مسجد و یک مدرسه داشته، قتل عام شده‌اند و باقیماندگان اندک آن نیز حق بازگشت به زمین‌هایشان را ندارند. مسئولان شرکت اینتل، به بهانۀ خودداری از ورود به مناقشات سیاسی، از گفت‌وگو دربارۀ سرنوشت صاحبان حقیقی زمین‌های این منطقه پرهیز می‌کنند. شعبۀ صهیونیستی این شرکت هم‌اکنون با بیش از ۴۰۰۰ نفر کارمند، سومین واحد بزرگ اینتل در دنیاست و صادرات آن سالانه بیش از یک هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود.

**13. شرکت آی.بی.ام.** شرکت آی.بی.ام یک سال پس از اعلام تشکیل رژیم صهیونیستی نخستین سرمایه‌گذاری‌هایش را در سرزمین‌های اشغالی شروع کرد و در سال 2003، به پاس نیم قرن خدمات چشمگیرش به این دولت، جایزۀ سفیر را از شیمون‌پرز، نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی، دریافت نمود. این شرکت، یکی از سه شرکتی است که در سال 2001، آریل شارون، نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی، از ایشان تقدیر کرد. لارنس ریکیاردی که یکی از مدیران ارشد آی. بی. ام است، در گفت‌وگویی با روزنامۀ یهودی جروزالم پست بیان کرد: «این سرزمین و آرمان‌های والایش برای ما بسیار مهم است». جالب آنکه این شرکت یکی از مهم‌ترین شریکان صنعتی و اقتصادی حکومت نازی آلمان در زمان جنگ دوم جهانی بوده است.

**14. شرکت استی‌لادر.** رونالد لادر مدیر این شرکت است. وی رئیس کنونی صندوق ملی یهود و مدیر پیشین کنفرانس مدیران سازمان‌های یهودی امریکاست. او که یک صهیونیست دو آتشه و پرکار امریکایی است، مخالف سرسخت بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمین‌هایشان است و معتقد است باید ایشان را از بین برد. او در میان گروهی از صهیونیست‌ها در بیت‌المقدس، پس از ابراز مخالفت با گفت‌وگو دربارۀ حاکمیت دوگانه رژیم صهیونیستی و دولت فلسطین بر این شهر، از سیاست مشت آهنین آریل شارون پشتیبانی کرد. وی یک مرکز پژوهشی را به راه انداخته که براساس گزارش وزارت آموزش رژیم اشغال‌گر قدس یکی از تندروترین نهادهای راست‌گرای رژیم صهیونیستی است. سازمان‌های صهیونیستی به غربی‌ها توصیه می‌کنند که برای شکستن تحریم مسلمانان علیه این شرکت و شرکت‌های مشابه، کالاهای آنها را بخرند.

**15. شرکت کوکاکولا.** وزارت خارجۀ رژیم صهیونیستی در روزنگاری که برای سال 1966 منتشر کرده، شش واقعه را حیاتی خوانده است. مخالفت صریح شرکت کوکاکولا با تحریم رژیم صهیونیستی از سوی کشورهای اسلامی یکی از این وقایع است. این شرکت در سال 1977، به پاس سی سال پشتیبانی از رژیم صهیونیستی و مقاومت در برابر تحریم مسلمانان از سوی هیئت اقتصادی رژیم صهیونیستی مورد تشویق قرار گرفت. کوکاکولا در برابر دریافت ۵۵ میلیارد تومان معافیت مالیاتی، یک مجتمع تولیدی در زمین‌های یک روستای فلسطینی ساخته است. این شرکت میزبان و پشتیبان مالی اتاق بازرگانی رژیم صهیونیستی و امریکا در سال 2001 نیز بود. به‌کارگیری مواد سمی و مضر برای کودکان در کشورهای جهان سوم و به‌کارگیری گروه‌های شبه نظامی برای برخورد با کارگران معترض در کشورهای امریکای جنوبی، موجب شده که محصولات این شرکت از سوی برخی از نهادهای مدنی جهانی تحریم شود(مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1387).

همان‌گونه که ملاحظه شد، بسیاری از شرکت‌های نام‌آشنا که در زمینه‌های مختلف همچون خوراک، پوشاک، فرهنگ، خبر و ... فعالیت می‌کنند، به نوعی با صهیونیست‌ها در ارتباط هستند. در ادامه، برای آنکه سیطره اقتصادی صهیونیزم بر منابع مالی جهان آشکار شود، ساختار اقتصادی امریکا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**2- نقش صهیونیزم در ساختار اقتصادی امریکا**

نظام اقتصادی امریکا از یک‌سو یک نظام کاپیتالیستی (سرمایه‌داری) است، و از سوی دیگر به دلیل افزایش روزافزون آمار مصرف‌گرایی و مصرف‌زدگی و تهی بودن از فرهنگ قناعت، یک اقتصاد سوداگر (اقتصاد مرکانتیلیستی) است. از دیگر ویژگی‌های ساختار اقتصادی امریکا این است که دولت در آنجا مطابق شاخص‌های لیبرالیستی دولت، حداقلی است به این معنی که کم‌ترین مداخله را در اقتصاد و بازار دارد. از این‌رو، اقتصاد این کشور از دو بخش خصوصی و دولتی تشکیل می‌شود که البته دولت بیشتر در آن بخش از امور اقتصادی که برای بخش خصوصی مقرون به صرفه نیست مانند راه‌سازی، بهداشت، آموزش و پرورش و امور زیربنایی و ... سرمایه‌گذاری می‌کند و سایر بخش‌ها در اختیار بخش خصوصی است. اتفاقاً یکی از منافذ نفوذ یهودیان صهیونیست جامعه امریکا به ساختار اقتصادی این کشور از همین بخش خصوصی و تهدید و تطمیع برای برنده شدن در مناقصات و مزایده‌های دولتی آغاز می‌شود و به دیگر بخش‌ها نیز سرایت می‌کند. از مطالعه تاریخ سیاسی امریکا درمی‌یابیم که یهودیان مقیم آن کشور همواره در حساس‌ترین مراکز تصمیم‌گیری امریکا قرار گرفته‌اند. در نتیجه با روش‌های گوناگون و تصویب قوانین مورد نیاز به نفع خود، با توجه به نفوذی که در ساختار سیاسی امریکا دارند، بخش عمده‌ای از مراکز اقتصادی و تجاری امریکا را در دست گرفتند. سینماها، تئاتر، تجارت شکر، کمپانی‌های بزرگ نفتی، تجارت گندم و تنباکو، پنبه، فولاد، ۵۰ درصد تجارت گوشت و مواد پروتئینی، ۷۰ درصد تجارت کفش، صنایع چرم، ادوات و ابزار موسیقی، وسایل الکترونیکی، بانک‌ها و به‌طور کلی قریب به ۸۰ درصد ثروت و امکانات امریکا در انحصار اقلیت اندک سرمایه‌داران یهودی - صهیونیستی این کشور است. چرخه نفوذ یهود و صهیونیسم به مراکز قدرت سیاسی برای به دست‌گیری سکان هدایت منابع اقتصادی امریکا به‌عنوان قدرت اول اقتصادی دنیا - که البته در شرایط فعلی در مواجهه با بحران مالی پیش آمده این قدرت رو به افول گذاشته - و هزینه‌کردِ منابع مالی برای بسط و توسعه نفوذ سیاسی در مراکز تصمیم‌گیری و جلب حمایت‌های بی‌شائبه امریکا از رژیم صهیونیستی در بین اهل تحلیل و رسانه در خصوص مسائل امریکا و صهیونیست‌ها مشهود بوده و در عمق خود حاکی از سیطره اقتصادی یهودیان امریکا در این کشور است. سرمایه‌داران صهیونیست در این میان نقش ویژه‌ای در امریکا ایفا نموده‌اند. از مشهورترین خاندان‌های ثروتمند یهودی که در دو قرن گذشته در اروپا و امریکا فعال بوده‌اند و سهمی بزرگ در تأسیس رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین داشته و دارند، خاندان "روچیلدها" هستند. ابعاد نفوذ روچیلدها در سرمایه‌داری غرب به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شده قابل بررسی است. گفتار خانم "هاناآرنت"مورخ و روزنامه‌نگار یهودی از این واقعیت اینگونه پرده برمی‌دارد: «برای اثبات فکر عجیب دولت جهانی یهود چه دلیلی بهتر از خاندان روچیلد که تابعیت پنج دولت مختلف را دارد و دست کم با سه دولت در همکاری نزدیک بود، دولت‌هایی که تنازعات مکرر میان آنان هرگز حتی لحظه‌ای یکپارچگی و پیوند منافع بانک‌دارانشان را (که از خانواده روچیلد بودند) متزلزل نساخت». با سرمایه روچیلدها، کمپانی "رویال داچ شل" تأسیس شد که بزرگ‌ترین مجتمع انحصاری اروپاست. همچنین نام روچیلد در کنار راکفلرهای امریکا به‌عنوان پیشگامان استخراج نفت از خاورمیانه و روسیه شهرت دارد. پس از جنگ دوم جهانی، سرمایه‌های روچیلد در امریکا سرمایه‌گذاری شد.

از دیگر چهره‌های سرشناس و سرمایه‌دار صهیونیست امریکا، سناتوری از ایالات آریزونا است که صاحب کارخانه‌های بزرگ سیگارهای امریکایی است. این سرمایه‌دار متنفذ امریکایی، "باری موریس گلدواتر" است. کمک‌های مالی و حمایت‌های سیاسی او از رژیم صهیونیستی و توسعه اندیشه صهیونیسم به‌ویژه در کمیته کمک‌های خارجی کنگره امریکا دلیل روشن نقش و نفوذ صهیونیست‌ها در ساختار اقتصادی امریکاست. خانواده "راکفلر" که تاکنون سه نسل به امریکا تحمیل کرده است، شایان‌ترین خدمات را به صهیونیسم و امپریالیسم نموده‌اند. اگرچه راکفلرها خود یهودی نیستند، اما مشاوران رده‌بالای یهودی - صهیونیستی، آنها را در امور حقوقی، اقتصادی و... یاری می‌کنند. سرمایه‌داران صهیونیست امریکا که در اقتصاد این کشور نفوذ دارند و پیش از این نفوذ به ثروتی هنگفت رسیده و آن را در راستای منافع صهیونیسم و حمایت از رژیم صهیونیستی هزینه می‌کنند، بی‌شمارند؛ به‌گونه‌ای که شرح نقش و نفوذ آنها در ساختار اقتصادی امریکا و به تبع آن دیگر مراکز حکومتی می‌تواند به تنهایی موضوع پژوهش مستقلی باشد.

فعالیت و نفوذ یهودیان و صهیونیست‌های جامعه امریکا در زمینه‌های اقتصادی، مالی، تجاری و بازرگانی این کشور بسیار گسترده است و به‌نوعی این نفوذ که گاه به صورت مباشرت مستقیم آنها در عرصه‌های اقتصادی خود را نشان می‌دهد، به بستر و پشتوانه‌ای اساسی و سرمایه‌ای برای نفوذ آنها در دیگر ساختارهای حکومت امریکا به‌ویژه ساختار تعیین‌کننده قدرت سیاسی تبدیل می‌شود. آنها در بیشتر داد و ستدها به نحوی دخیل و درصدی از سودها را متعلق به خود می‌کنند. صهیونیست‌ها مالک بزرگ‌ترین بانک‌ها در امریکا می‌باشند. خانواده صهیونیستی روچیلدها، از بنیان‌گذاران بانک در امریکا هستند و تنها بانک بزرگی که مالکش یهود نیست، متعلق به راکفلر است که البته نزدیک‌ترین مشاور او یک صهیونیست دو آتشه و افراطی است. پنج بانک بزرگ در نیویورک، سهام‌داران اصلی ۳۲۴ شرکت عمده امریکا می‌باشند که با سه چهارم سهام سرمایه، آنها را سیاست‌گذاری و اداره می‌کنند. بانک "چیس مانهاتان" که از آن خاندان راکفلر می‌باشد، در شرکت‌های سی. بی. اس، ان. بی. سی، یونی ین کارباید، جنرال الکتریک، یونایتد ایرلانیز، استرن ایرلانیز و سیستم تلگراف و تلفن امریکا بزرگ‌ترین سهام را دارد و این تنها بخشی از ثروت و سهام‌های آن خاندان محسوب می‌شود(پریشان، 1387).

**3- تسلط بر اقتصاد جهان با هدف برپایی حکومت جهانی**

در تاریخ بشر، ملتی در پول‌پرستی و مال‌اندوزی همچون قوم یهود دیده نشده است. آنها برای به دست آوردن مال هر راهی را پیش می‌گیرند؛ گرچه با شرف و حیثیت انسانی مخالف باشد. آنها برای رسیدن به این مقصود، تمام راه‌های مشروع و نامشروع را پیموده و تا حد پرستش، با حرص و آز خاص به جمع‌آوری مال پرداخته‌اند تا جایی که حضرت عیسی‌بن مریم به آنها فرمود: «لاَ تَعْبُدُوا رَبَّیْن، اَللهُ وَ الْمَالُ؛ (ممتحنه، 13). دو پروردگار که عبارتند از خدا و پول را نپرستید» (عبدالفتاح، ص81).

علت این امر را می‌توان تفکر مادی پیروان این دین دانست که بجز ظاهر زندگی مادی به چیزی دیگر ایمان نداشته و زندگانی پس از مرگ از نظر آنها مفهومی ندارد. به همین دلیل شهید مطهری می‌گوید: «یهود معتقد به معاد نیست» (1377، ص269). ویل دورانت نیز معتقد است که"یهود به جهان پس از مرگ معتقد نیست و پاداش و کیفر را منحصر به زندگی دنیا می‌داند(1387، ص345). قرآن کریم آنان را حریص‌ترین و دنیاگراترین مردم دنیا می‌داند و می‌فرماید که یهودیان حریص‌ترین مردمان بر زنده ماندن و برخوردار شدن از عمری طولانی هستند. آنان به هر نوع زندگی دنیوی - هر چند پست باشد - حریص و دل‌بسته‌اند؛ آنچنان به این دنیا دل‌بسته‌اند که فرد فردِ یهود، خواهان عمر طولانی هزار ساله هستند؛ آنچنان که اشتیاق یهود به زندگی دنیا، حتی از مشرکان فزون‌تر است و روش و منش یهود، نمایانگر حرص شدید آنان بر زندگانی دنیا و ترس از مرگ است (رفسنجانی، 1375). در سوره بقره به این مضامین اشاره دارد و می‌فرماید: «وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَی حَیَاةٍ وَمِنَ الَّذِینَ أَشْرَکُواْ یَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ یُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَن یُعَمَّرَ وَاللّهُ بَصِیرٌ بِمَا یَعْمَلُونَ؛ و آنها را حریص‌ترین مردم - حتی حریص‌تر از مشرکان - بر زندگی [این دنیا]، خواهی یافت [تا آنجا] که هر یک از آنها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود! در حالی که این عمر طولانی، او را از کیفر [الهی] باز نخواهد داشت. و خداوند به اعمال آنها بیناست(بقره/ 96)» (موسوی، 1388).

همان‌طور که ملاحظه شد، دین یهود (تحریف شده) ذاتاً دینی مادی است که به این دنیا ارجاع دارد. این موضوع را می‌توان در متون دینی (تحریف شده) این قوم نیز ملاحظه نمود: در کتاب "سِفر خروج" که یکی از کتب دینی یهود می‌باشد، آمده است که دستور ساخت معبد نخستین‌بار به موسی نبی داده شده است. زمانی که وی برای عبادت به کوه طور رفته بود جزئیات ساخت معبد به او ابلاغ و از او خواسته می‌شود که در بازگشت آن را از گرانبهاترین کالاهای عصر بسازد تا "در میان مردم" ساکن شود. «و خداوند موسی را خطاب کرده گفت به بنی‌اسرائیل بگو که برای من هدایا بیاورند .... و این است هدایا که از ایشان می‌گیرید: طلا و نقره و برنج و لاجورد و ارغوان و قرمز و کتان نازک و پشم بز و پوست قوچ سرخ شده و پوست خز و چوب شطیم. و روغن برای چراغ‌ها و ادویه برای روغن مسح و برای بخور و سنگ‌های عقیق و سنگ‌های مرصعی برای ایفود و سینه‌بند و مقامی و مقدسی برای من بسازند تا در میان ایشان ساکن شوم... و تابوتی از چوب شطیم بسازند که طولش دو زراع و نیم و عرضش یک ذراع و نیم و بلندیش یک ذراع و نیم باشد و آن را به طلای خالص بپوشان. آن را از درون و بیرون بپوشان. و بر زبرش به هر طرفی تاجی زرین بساز ... و آگاه باش که آنها را موافق نمونه آنها که در کوه به تو نشان داده شد بسازی (سفر خروج 25/ 1-40)» (تورات، 1987).

این خدای شیفته طلا در محلی این چنین مستقر شده است: «و مسکن را از ده پرده کتان نازک تابیده و لاجورد و ارغوان و قرمز بساز. با کروبیان از صنعت نساج ماهر آنها را ترتیب نما. طول یک پرده بیست و هشت ذراع و عرض یک پرده چهار ذراع و همه پرده‌ها یک اندازه باشند.... و پنجاه تکمه زرین بساز...... [و پس از شرح بسیار درباره زیورآلات این پرده‌ها] ... و تخته‌ها را به طلا بپوشان و تا حلقه‌های پشت‌بندها باشد و پشت‌بندها را به طلا بپوشان. پس مسکن را برپا کن موافق نمونه که در کوه به تو نشان داده شد (سفر خروج 26/1-30)» (تورات، 1987). اما دنیاپرستی و مال‌اندوزی نمی‌تواند تنها دلیل نفوذ و برتری یهودیان در اقتصاد باشد. آیا این حجم از نفوذ یهود در اقتصاد دنیا در قرن بیست و یکم تنها به خاطر حریص بودن ایشان است؟ علت اصلی را باید در جای دیگر جست‌وجو نمود.

همان‌طور که ملاحظه شد، تقریباً تمام ادیان الهی به ظهور یک منجی در پایان حیات بشری و تشکیل حکومت جهانی توسط او اعتقاد دارند. این باور در میان یک میلیارد و چهارصد میلیون مسلمان، دو میلیارد و دویست میلیون مسیحی، چهارده میلیون یهودی و دویست هزار زردشتی که جمعاً چیزی در حدود پنجاه و دو درصد از کل جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، یکسان است. بررسی ایدئولوژی سیاسی جنبش صهیونیزم تفاوت‌های آن با دین یهود را نمایان می‌سازد. صهیون نام ارتفاعی است در شهر بیت‏المقدس است که یهودیان معتقدند، مدفن داوود پادشاه اولین حکومت یهودی در آن قرار دارد. پیروان صهیونیزم در مواردی این نام را بر تمامی شهر بیت‏المقدس [اورشلیم] نیز اطلاق می‏کنند. صهیونیزم به جنبشی سیاسی افراطی یهودی نسبت داده می‏شود که هدف نهایی و اصلی آن، احیای حکومت داوود و سلیمان در همان مرزهایی است که در کتاب تورات به یهودیان وعده داده شده است، یعنی محدودة میان رود نیل در مصر تا رود فرات در عراق. پایتخت این دولت هم الزاماً باید همان پایتخت "حکومت داوود و سلیمان" باشد یعنی شهر اورشلیم. محدوده‏ای که ذکر شد، در میان یهودیان اعم از اینکه گرایش صهیونیستی داشته باشند یا غیرصهیونیست باشند به‌عنوان "سرزمین موعود" شناخته می‏شود. در تورات، حضرت ابراهیم(ص)، از طرف خداوند این وعده را دریافت می‏کند که اراضی مشتمل بر "نیل تا فرات" به فرزندان او بخشیده می‏شود و یهودیان خود را تنها وارثان و فرزندان حضرت ابراهیم می‏دانند. اما در هیچ نقطه از کتاب‌های تورات یا تلمود (کتب مقدس یهودیان) فریضه‌ای مبنی بر تشکیل نظام سیاسی اختصاصی یهودیان در این سرزمین‌ها، به پیروان موسی(ص) تکلیف نشده است(احمدی، 1376).

ناتان وینستوک، در کتاب خود تحت عنوان "صهیونیسم علیه اسرائیل"، تعارض و تفاوت میان یهود و صهیونیزم را اینگونه بیان می‌کند: «علت اینکه کهنه‌اندیشی و ارتجاع خاخام‌ها، رژیم صهیونیستی را فرا می‌گیرد این است‌ که عرفان صهیونیستی تنها با توسل به آیین یهود می‌تواند حالت انسجام پیدا کند. اگر مفاهیمی چون "قوم برگزیده" و سرزمین موعود را حذف کنید، پایه‌های صهیونیسم فرو خواهند ریخت. به همین دلیل، احزاب مذهبی قدرت خود را به صورت متناقضی از تبانی و همدستی با صهیونیست‌ها به دست‌ می‌آورند. ساختار درونی دولت صهیونیستی، تقویت حاکمیت مذهبیون را بر رهبران این کشور تحمیل کرده است. این حزب سوسیال‌دمکرات بود که با تشویق بن‌گوریون، دروس مذهبی را به صورت اجباری در برنامه ‌درسی مدارس وارد کرد، نه احزاب مذهبی» (1969، ماسپرو). بنابراین می‌توان اینگونه اظهار داشت که صهیونیسم از دین و مذهب به‌عنوان وسیله‌ای مؤثر و قدرتمند برای دستیابی به طرح‌های ‌استعماری استفاده کرده و می‌کند. همچنین نمی‌توان از کنار نفوذ صهیونیزم در دین یهود غافل شد. امروزه میان این دو مفهوم ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. اما منظور ما از یهود همان یهودیان صهیونیست خواهد بود که سعی دارند با نفوذ در عرصه‌های مختلف جهانی از جمله اقتصاد بین‌الملل شرایط را برای برقرای حکومت جهانی خود فراهم سازد. مهم‌ترین سندی که می‌توان برای اثبات فرضیه یادشده به آن استناد کرد، پروتکل‌های حکمای یهود (صهیون) است. واژه پروتکل در لغت به معنی صورت مجلس مذاکرات سیاسی، متمم قراردادها و عهدنامه‌های رسمی و مقاوله‌نامه‌ها می‌باشد. اما در اینجا به مفهوم تصمیمات و فرمول‌هایی است که از سوی جمعی از متفکران، استراتژیست‌ها و خاخام‌های یهودی به منظور سلطه بر جهان طراحی شده است. یک محقق فلسطینی در این‌باره می‌گوید: «پروتکل‌ها برنامه‌هایی هستند که سرمایه‌داران و اقتصاددانان (متفکران و علمای) یهود برای ویران کردن بنای مسیحیت، قلمرو پاپ و دست آخر اسلام، آنها را تنظیم کرده‌اند. یهودیان صهیونیست معتقدند که پس از این ویرانی که به گفته اصحاب پروتکل‌ها طی صد سال انجام خواهد شد، آنها بر جهان استیلا خواهند یافت و سلطنتی یهودی - داوودی برقرار خواهند کرد که با تدابیر و امکانات خود به یهودیان - با آنکه اقلیتی ناچیز هستند امکان خواهد داد تا بر تمام جهان مستبدانه حکومت کنند و هیچ دینی، نه مسیحیت و نه اسلام، در کنار دین یهوی داوودی باقی نخواهد ماند» (نویهض، 1385). این پروتکل‌ها از مدت‌ها پیش طراحی شده‌اند و در حال اجرا هستند. در سال 1897 میلادی یهودیان متن پروتکل‌ها را به منظور قرائت در چند کنفرانس برای بحث و تصمیم‌گیری و تأیید نهایی آماده نمودند که به دلیل یک اشتباه، کنفرانسِ مخفی آنها لو می‌رود و پلیس مخفی تزار روس به کنفرانس مزبور که به ریاست تئودرهرتزل در شهر بال سوئیس برگزار شده بود هجوم آورد و اوراق آنها را به تاراج برد. پروتکل‌ها در سال 1905 میلادی توسط نویسنده‌ای روسی به نام سرگئی نیلوس (از روحانیون و علمای مسیحی) از زبان عبری و (یا فرانسوی) به زبان روسی ترجمه شد و در سال 1906 وارد کتابخانه بریتیش میوزیوم لندن شد. ویکتورمارسدن، روزنامه‌نگار انگلیسی که همزمان با انقلاب بلشویکی برای روزنامه انگلیسی مورنینگ‌پست در روسیه کار می‌کرد، این پروتکل‌ها را در سال 1917 به زبان انگلیسی ترجمه کرد. هنری فورد (بنیانگذار شرکت اتومبیل‌سازی فورد امریکا) پروتکل‌ها را در سال 1920 به‌صورت سلسله مقالاتی در روزنامه‌ای که به خود او تعلق داشت، به چاپ رساند. هدف او این بود که ملت امریکا را از خطر شکل‌گیری امپراتوری یهود در این کشور آگاه سازد. فورد، پروتکل‌های حکمای یهود را برنامه اصلی یهود برای تسلط بر جهان می‌دانست و هشدار داد که یهود به حکومت امریکا اکتفا نکرده و درصدد برپایی حکومت جهانی است. هنری فورد در گفت‌وگویی که در روز هفدهم فوریه 1921 در "نیویورک ورلد" به چاپ رسید، دعوی خود را علیه "پروتکل‌های صهیون" چنین بیان کرد: «تنها نکته‌ای که علاقمندم درباره پروتکل‌ها بگویم این است که آنها با آنچه درحال وقوع است، تطبیق می‌کنند. از طرح پروتکل‌ها شانزده سال می‌گذرد و آنها تاکنون با شرایط جهانی منطبق بوده‌اند». فورد هنگامی این نکته را بیان داشت که رهبران یهود و مطبوعات یهودی در امریکا علیه او جنجال به پا کرده و فریاد اعتراض سرداده بودند. هنری فورد پس از تحمل فشار و مشقت، که تنها یهودیت سازمان‌یافته از عهده طراحی و اعمال آن برمی‌آید، سرانجام ناچار شد در 30 ژوئن 1927 در نامه‌ای خطاب به "لوییس مارشال" رهبر وقت "انجمن یهودیان امریکا"، به‌طوررسمی از یهود عذرخواهی کند. البته فورد در عذرخواهی خود و نه پس از آن، هیچگاه صدق پروتکل‌ها و تحلیل‌های منتشره پیرامون آنها را تکذیب نکرد (حسینی شیرازی، 1381). باید یادآور شد که در صحت این پروتکل‌ها میان مورخان تردید وجود دارد؛ بسیاری بر این اعتقادند که نشر این عهدنامه در راستای پروژه یهودستیزی قرار دارد. برخی دیگر آن را نوعی توهم توطئه می‌خوانند. اما می‌توان اجرایی شدن این پروتکل‌ها در قرن 20 را دلیلی بر صحت و سقم آن دانست. اگرچه این بیست و چهار پروتکل به شیوه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای تسلط بر جهان اشاره دارد، اما به دلیل ماهیت تحقیق تنها چند بند را مورد بررسی قرار خواهیم داد که در مورد نفوذ و تسلط بر منابع مالی جهان راهبرد ارائه داده است:

- خواه دولت‌ها در اثر ضعف داخلی متلاشی شوند و خواه در اثر چیرگی دشمنان خارجی از بین بروند، سرانجام زیر نفوذ ما قرار خواهند گرفت؛ زیرا سرمایه، که به مثابه ریسمانی محکم است، در دست ماست. دولت‌هایی که به این ریسمان محکم چنگ نمی‌زنند، سقوطشان حتمی خواهد بود ( پروتکل شماره 1، ماده هشت).

- تا آنجا که مقدورمان باشد، باید از بروز جنگی که به‌ سود ناحیه‌ای خاص منجر شود، جلوگیری کنیم. آنگاه جنگ را به صحنه اقتصاد می‌کشانیم تا طرفین متخاصم به خوبی تسلط همه‌جانبه ما را دریافته و تسلیم عوامل بین‌المللی ما شوند. حقوقی به‌نام حقوق بین‌الملل وضع خواهیم کرد که جایگزین حقوق ملی کشورها شده و ناظر بر روابط بین ملل باشد، همان‌گونه که قوانین حقوقی یک کشور، بر روابط افراد آن کشور نظارت دارد (پروتکل شماره 2، ماده یک).

- ما بر روی صحنه نقش حامی کارگر را بازی می‌کنیم و بدین‌سان زیر شعار همکاری، برابری و تحت شعار "اشتراک مساعی جهانی" و نیز مطابق اصول فراماسونریخویش، کارگران را به صف نیروهای جنگ‌جوی خویش یعنی سوسیالیزم، آنارشیسم و کمونیزم می‌کشانیم. آریستوکراسی از حمایت قانون برخوردار بود و از کار و دسترنج زحمتکشان ارتزاق می‌کرد. به همین لحاظ به‌خاطر حفظ منافعش، همواره به تغذیه و سلامت کارگران توجه خاص داشت و می‌خواست که کارگر، سالم و نیرومند باشد تا بهتر و بیشتر از او بهره‌کشی کند. اما موضع ما درست مخالف این نظریه است. ما به مرگ و میر و کشتار غیر یهودیان فکر می‌کنیم. به عبارت دیگر، قدرت ما، در گروِ کاهش مستمر مواد غذایی و ضعف جسمی کارگر است، زیرا از این طریق می‌توانیم کارگر را به اسارت خود درآوریم تا او را در اختیار داشته باشیم تا نتواند علیه خواست‌های ما اقدام کند. تسلطی که از طریق ایجاد گرسنگی بر کارگران به دست می‌آید، به مراتب مطمئن‌تر از تسلطی است که آریستوکراسی به مدد قانون و شاه کسب کرده بود (پروتکل شماره 3، ماده 7).

- برای آنکه بتوانیم قدرت اندیشیدن را از مردم غیر صهیونیست سلب کنیم، باید فکر آنها را متوجه صنعت و تجارت کنیم. سرگرم شدن آنها به داد و ستد و اندیشیدن به منفعت، باعث می‌شود که دشمن مشترکشان را فراموش کنند. از سوی دیگر، به صنعت جنبه احتکاری می‌دهیم. بدین معنی که به بهای صنعتی شدن بسیاری از زمین‌ها نادیده گرفته می‌شوند که سرانجام به دست ما می‌افتند و ما آنها را احتکار می‌کنیم (پروتکل شماره 4، ماده 4).

- افزایش روز افزون رقابت به منظور پیش افتادن در زندگی از سویی و نابسامانی‌های اقتصادی از سوی دیگر، مردم را سرخورده و افسرده می‌کند، نفرت آنها نسبت به مقام‌های عالی‌رتبه اداری، مذهبی و سیاسی اوج می‌گیرد، طلا به‌عنوان وسیله‌ای برای ارضای نیازهای مادی مردم مورد توجه واقع می‌شود، ظرفیت مردم به مرز انفجار می‌رسد و برای قیام آماده می‌شوند. قیام مردم برای کسب ثروت است نه اشاعه خوبی‌ها، زیرا این قیام از نفرت منبعث می‌شود. به بیان دیگر، نفرت طبقه محروم از طبقه ممتاز جامعه موجب قیام می‌شود. قشرهای پایین جوامع غیریهودی در پی رهنمودهای ما علیه طبقه ممتاز به پا ‌می‌خیزند و سرانجام با حریفانمان یعنی علمای غیر یهودی بر سر قدرت به نبرد می‌پردازند (پروتکل شماره 4، ماده 5).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، صهیونیست‌ها دست کم بیش از صد سال است که به فکر تسلط بر جهان از طریق نفوذ و تسلط اقتصادی، سیاسی و ... هستند. اطلاع دقیقی در بارة این موضوع پیش از سال 1879 در دست نیست. برخی، این ایده صهیونیست‌ها را به قرن 7 میلادی بسط می‌دهند. حتی عده‌ای معتقدند آرمان تسلط بر جهان از جانب یهودیان به زمانی پیش از تولد مسیح (ص) باز می‌گردد. به هر حال امضاءکنندگان پروتکل یاد شده اهداف نهایی خود را از پیگیری چنین اقداماتی اینگونه بیان می‌دارند:

مطمئناً احتیاجی نیست که بیش از این استدلال کنیم که خداوند مقدر کرده است تا بر جهانیان فرمانروا باشیم. مطمئناً احتیاجی نیست که ثابت کنیم تمام بدی‌هایی را که مرتکب شده‌ایم، همگی وسیله‌هایی بوده‌اند که از آنها برای رسیدن به هدف‌هایمان که همانا رفاه واقعی و برقراری نظم است، کمک گرفته‌ایم. ثابت خواهیم کرد که مددکارانی هستیم که آرامش را به زمینی که متلاشی شده است، برمی‌گردانیم و آن را به محل صلح و آرامش مبدل می‌کنیم. همچنین آزادی و خوشبختی انسان‌ها را به آنان بازمی‌گردانیم به شرط آنکه قوانینی را که وضع کرده‌ایم، به‌طور دقیق رعایت کنند (پروتکل شماره 22، ماده 3). هنگامی که زمان موعود فرا رسید تا دربار پاپ متلاشی شود، ملت‌ها با اشاره دستی نامرئی به سوی دربار حرکت می‌کنند و هنگامی که خود را روی پاپ پرت کردند، ما زیر پوشش مدافع وی، و نیز به بهانه جلوگیری از خونریزی بیشتر، پادرمیانی و میانجی‌گری می‌کنیم. وقتی که به این طریق فکر مردم را مغشوش و منحرف کردیم، به درون دربار، نفوذ می‌کنیم و تا قدرت آن را از بین نبریم، بیرون نخواهیم آمد (پروتکل شماره 13، ماده 3).

با توجه به آنچه پیش‌تر گفتیم اندک اندک زمینه نابودی دولت‌های غیریهودی را فراهم می‌کنیم و سرانجام قدرت را به دست می‌گیریم. پس از اینکه به قدرت دست یافتیم، به طور نامحسوسی اصول قانون اساسی دولت‌های غیرصهیونیست را گام به گام حذف می‌کنیم و هنگامی که زمان موعود فرا رسید، حکومت مطلقه قوم خود را جایگزین هر نوع حکومتی می‌سازیم (پروتکل شماره 22، ماده 3)، (حسینی شیرازی، 1381).

**نتیجه‌گیری**

این مقاله بر جنبه‌های ایدئولوژیک در شکل‌گیری اقتصاد جهانی تأکید دارد. اقتصادی که امروزه ما با آن در سطح بین‌المللی سروکار داریم اقتصادی است با ماهیت صهیونیستی. صهیونیزم قوم خود را قومی برگزیده از سوی خداوند و همچنین حاکمان نهایی جهان در آخرالزمان می‌پندارند که با حکومت بر ارض موعود، حکومت جهانی را برپا خواهند نمود. یهودیان صهیونیست معتقدند حکومت جهانی در پایان زمان از آن آنها خواهد بود. از نظر آنها تحقق چنین امری مستلزم ملزوماتی است که یکی از آنها بازگشت به ارض موعود (نیل تا فرات) است. این آرمان با تشکیل دولت یهود در سال 1948 تا حدودی رنگ واقعیت به خود گرفت. اما برقراری حکومت جهانی ملزومات دیگری را نیز به همراه داشت که از آن جمله می‌توان به تسلط بر منابع جهان و در اختیار گرفتن اقتصاد بین‌الملل اشاره کرد. یهودیان صهیونیست برای تسلط بر جهان و مهیا ساختن زمینه‌های حکومت جهانی خود راهکارهایی را مطرح و دنبال نمودند. این راهکارها به پروتکل‌های حکمای یهود شهرت یافت. یک اشتباه در سال 1879 موجب شد که این پروتکل‌ها علنی شوند. صهیونیست‌ها در این پروتکل‌ها به صراحت اعلام داشته‌اند که در اندیشه فراهم ساختن زمینه‌های حکومت بر جهان هستند. بندهای مختلف این پروتکل‌ها چگونگی نفوذ و تسلط در عرصه‌های جهانی را بیان داشته است. مهم‌ترین بندهای آن به ارائه راهکارهای اقتصادی در جهت وابسته‌سازی مالی دیگر اقوام جهان به یهودیان می‌پردازد تا از این طریق بتوانند بر تمام دنیا حکومت کنند.

امروزه بسیاری از شرکت‌های اقتصادی جهان نظیر تیمبرلند، والت دیزنی، سارا لی، نوکیا، اینتل، آی.بی.ام و ... به نوعی با صهیونیست‌ها در ارتباط هستند و بخش اعظمی از گردش‌های مالی این شرکت‌ها به جیب یهودیان صهیونیست می‌رود. نفوذ صهیونیسم به مراکز قدرت سیاسی برای به دست‌گیری سکان هدایت منابع اقتصادی امریکا به‌عنوان قدرت اول اقتصادی و هزینه‌کردِ منابع مالی برای بسط و توسعه نفوذ سیاسی در مراکز تصمیم‌گیری و جلب حمایت‌های بی‌شائبه امریکا از رژیم صهیونیستی در بین اهل تحلیل و رسانه در خصوص مسائل امریکا و صهیونیست‌ها مشهود بوده و در عمق خود حاکی از سیطره اقتصادی یهودیان امریکا در این کشور است.

بنابر آنچه گفته شد، باید اذعان داشت که اراده‌ای در بین یهودیان صهیونیست وجود دارد و آن تسلط بر کل جهان است و این عقیده از سوی ایشان به صورت افراطی دنبال می‌شود و سعی دارند که با نفوذ و تسلط در سیاست، فرهنگ و به‌ویژه اقتصاد جهانی، زمینه حکومت جهانی خود را در پایان زمان، فراهم سازند.

**منابع**

- قرآن کریم.

- احمدی، محمد (1376)؛ پژوهه صهیونیست ( مجموعه مقالات)؛ ناشر: مؤسسه فرهنگی ضیاء اندیشه.

- پریشان، فتح‌اله (1387)؛ نقش صهیونیست‌ها در ساختار اقتصادی امریکا، آفتاب‌نیوز،

<http://www.aftabir.com/articles/view/economy_marketing_business/economy_politic/c2c1230459495_crisis_p1.php>

- تورات (1987)؛ کتاب ِسفر خروج؛ ناشر: انجمن کتاب مقدس ایران.

- حسینی‌شیرازی، محمد (1381)؛ دنیا بازیچه یهود؛ مترجم: هادی مدرسی)، ناشر: بینش آزادگان.

- سایت خبری مشرق نیوز (1389)؛ تورات صهیونیزم،

http://mashreghnews.ir/NSite/FullStory/News/?Id=11470

- عجاج نویهض(1385)؛ پروتکل‌های دانشوران صهیون: برنامه عمل صهیونیسم جهانی؛ مترجم: حمیدرضا شیخی، ناشر: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

- عنیف عبدالفتاح؛ چهره یهود در قرآن؛ مترجم: سید مهدی آیت‌اللهی، قم، ناشر: جهان‌آرا.

- مطهری، مرتضی (1369)؛ آشنایی با قرآن (جلد سوم)؛ ناشر: صدرا.

- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (1387)؛ اسامی شرکت‌های حامی رژیم صهیونیستی، آفتاب‌نیوز،

<http://www.aftabir.com/articles/view/politics/world/c1c1207410685p1.php/>

- موسوی، سیدصمد (1388)؛ عوامل دشمنی یهود با اسلام؛ پایگاه حوزه،

http://www.hawzah.net/Hawzah/Magazines/MagArt.aspx?MagazineNumberID=6964&id=83973

- ناتان وینستوک (1969)؛ صهیونیسم علیه اسرائیل؛ ناشر: ماسپرو.

- وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی (2010)، تازه‌ترین آمار درباره ساختار جمعیتی رژیم صهیونیستی، همدمی،

https://www.hamdami.com/MFAFA/Rep-Archive10/April-10/190410-People

- ویل دورانت (1387)؛ تاریخ تمدن؛ ج دوم، مترجم: احمد آرام، ناشر: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- هاشمی رفسنجانی، اکبر (1375)؛ تفسیر راهنما؛ ج اول، ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی.

1. . استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج [↑](#footnote-ref-1)
2. **Timber land** [↑](#footnote-ref-2)
3. **2 DELTA GALIL** [↑](#footnote-ref-3)
4. **3 Walt Disney** [↑](#footnote-ref-4)
5. **Time Warner** [↑](#footnote-ref-5)
6. **Starbucks** [↑](#footnote-ref-6)
7. **Sara Lee** [↑](#footnote-ref-7)
8. **NOKIA** [↑](#footnote-ref-8)
9. **Intel corp.** [↑](#footnote-ref-9)
10. **IBM** [↑](#footnote-ref-10)
11. **NEWS corporation** [↑](#footnote-ref-11)
12. **L’OREAL** [↑](#footnote-ref-12)
13. **Limited brands** [↑](#footnote-ref-13)
14. **Estée Lauder** [↑](#footnote-ref-14)
15. AOL [↑](#footnote-ref-15)
16. Unique [↑](#footnote-ref-16)
17. ICQ [↑](#footnote-ref-17)